

نقش باورهای مذهبی در ترجمه های انگلیسی قرآن کریم (با بررسی آیات موردی در ترجمه های قرائی و الهلالی و محسن خان)

تاریخ دریافت مقاله: مرداد ۱۳۹۸

تاریخ پذیرش مقاله: شهریور ۱۳۹۸

سالار منافی اناری^۱، علی ابراهیمی^۲

^۱دکترای ادیان و عرفان، استاد دانشگاه علامه طباطبایی تهران
^۲کارشناس ارشد، علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علامه طباطبایی

نویسنده مسئول:

علی ابراهیمی

چکیده

ترجمه عبارت است از انتقال معنای کلام، از یک قالب زبانی در یک قالب زبانی دیگر. این فرایند پیچیده و سازمان یافته در مورد آثار علمی و هنری، به صور گوناگون تحت الفظی، آزاد و ... مطرح بوده و از اهمیت برخوردار است. پیچیدگی این فعالیت علمی در مورد کتب مقدس بیشتر است. در ارتباط با قرآن، که آخرین کتاب آسمانی و کامل ترین دستورالعمل فردی و اجتماعی بوده و متضمن سعادت دنیوی و اخروی افراد بشر است، از ترجمه در درجات بالایی از اهمیت بحث می شود. ترجمه های انگلیسی از این کتاب آسمانی، بدلیل جایگاه خاص این زبان در دنیا و نیز موقعیت دینی و مذهبی متکلمان این زبان، حائز اهمیتی دو چندان هستند. در فرایند ترجمه دو عامل زبان و فرازبان ایفای نقش می کنند. گستره واژگانی زبانها و عدم تساوی آنها در تعدد معنایی اولین عامل زبانی هستند که در ترجمه ایفای نقش میکنند. عامل دوم زبانی که مؤثر در امر ترجمه میباشد، اختلافات نحوی زبان های گوناگون است. مهم ترین عامل فرازبانی که ترجمه را تحت تأثیر خود در می آورد، ایدئولوژی و باورهای ایدئولوژیک است. تأثیر ایدئولوژی مترجم در ترجمه، به عنوان یک عامل فرازبانی، بیشتر از آنکه آگاهانه باشد، ناآگاهانه و غیر ارادی است؛ هرچند گاهی مترجم به صورت آگاهانه و ارادی هم می تواند ایدئولوژی خاصی را در قالب ترجمه ارائه نماید.

در این مقاله، برای نشان دادن تأثیر ایدئولوژیک مترجمان در ترجمه های انگلیسی قرآن، پس از بررسی امر خطیر ترجمه و تاریخچه آن به سراغ آیاتی رفته ایم که اختلاف ایدئولوژیک را بهتر ارائه می دهند. آیاتی که در آنها مباحثی از قبیل صفات الهی، عصمت، امامت و ولایت و ... مطرح شده است. در کل دو ترجمه با پس زمینه های ایدئولوژیک شیعی و سنی ارائه و بررسی شده است.

کلمات کلیدی: ترجمه، قرآن کریم، زبان، عامل فرازبانی، ایدئولوژی.

مقدمه

گاه در ترجمه های مختلفی که از قرآن ارائه شده است، تنوع زیادی به چشم می خورد؛ بویژه در مورد پاره ای از آیات دگرگونی ترجمه های موجود دارای پیام و مفهوم است. گاه از آیه واحد، ترجمه های متنوعی ارائه شده است که این تنوع به نوعی با افکار و عقاید شخص مترجم در ارتباط است. در این مطالعه تحقیقی تلاشی در جهت کشف این ارتباط و چگونگی برقراری آن صورت گرفته است. برای نیل به این مقصود دو ترجمه انتخابی، در بررسی نقش باورهای مترجم در کنار هم قرار گرفته اند.

بیان مسئله و اهداف تحقیق

این تحقیق در پی کشف این مسئله است که آیا عقاید ایدئولوژیک فرد مترجم، در ترجمه خروجی فرد مورد نظر تأثیرگذار بوده است یا نه؟ و اگر تأثیرگذار است، این تأثیر از چه راهی و به چه شکلی عملی می شود؟ هدف این مقاله یافتن پاسخ این سؤالات از طریق بررسی موردی تعدادی از آیات قرآن است.

سؤالات تحقیق: در این نوشتار، پس از بررسی کلی روند ترجمه و چون و چند این مسئله، پیشینه این امر خلیبر بررسی شده است. پس از بررسی اهمیت و پیشینه تاریخی ترجمه های انگلیسی قرآن کریم، در پی یافتن پاسخ به سؤالات زیر هستیم:

- ۱) آیا ارتباطی بین باورهای مذهبی و افکار ایدئولوژیک فرد مترجم و ترجمه وجود دارد یا نه؟
- ۲) تأثیر افکار و عقاید ایدئولوژیک بر ترجمه ها ارادی است یا ناآگاهانه؟
- ۳) چه عواملی امکان بروز عقاید مذهبی در ترجمه انگلیسی قرآن را ممکن ساخته و راه را برای آن هموار می سازند؟

فرضیه تحقیق

در این نوشتار فرض بر این است که باورهای دینی و عقاید مذهبی افراد مترجم، بر روی ترجمه های قرآن اثرگذار بوده و خود را در ترجمه بروز می دهند.

البته باید یادآوری نمایم که این مسئله را نمی توان به کل قرآن و همه آیات آن تعمیم داد؛ این مسئله بیشتر در مورد آن عده از آیات مطرح است که در آنها پاره ای از مسائل کلامی یا فقهی ارائه شده است که محل نزاع و اختلاف بین مکاتب گوناگون است. در این تحقیق در کل به دنبال بررسی اینگونه آیات هستیم تا به هدف تحقیق برسیم.

برای نیل به مقصود، نخست به بحث اهمیت ترجمه اشاره نموده و به بیان انواع متنوع ترجمه پرداخته ایم. در وهله بعد، پس از جستاری کوتاه در زمینه پیشینه تاریخی ترجمه انگلیسی قرآن، وارد مقوله عقاید و باورهای دینی شده و چگونگی تأثیر آنها در ترجمه را جویا شده ایم. در نهایت پس از بررسی آیات موردی در ترجمه های قرائی (با تفکرات شیعی) و الهلالی و محسن خان (با تفکرات وهابیت)، موضوع اساسی این تحقیق بررسی شده است و در ادامه و پایان امر به یک نتیجه کلی در این زمینه بسنده کرده و مطلب را به پایان برده ایم.

اهمیت ترجمه قرآن کریم و ترجمه آن به زبان انگلیسی

در اینکه ترجمه موضوع مهمی است جای هیچگونه شک و شبهه نیست. ترجمه موضوعی پیچیده و نظام مند است که نوع درست و منطقی آن به این سادگی به دست نمی آید. به خاطر اهمیت زیاد ترجمه است که می بینیم از دیرباز ترجمه متون مختلف مورد توجه دانشمندان علوم مختلف بوده است. اما باید توجه داشت که اهمیت کار ترجمه و به تبع آن، میزان و درجه سختی و پیچیدگی آن، از موضوعی به موضوع دیگر و از متنی به متن دیگر متفاوت بوده و دارای استدرج می باشد. بیشترین ظرافت و پیچیدگی در ترجمه، مربوط است به متون مذهبی و بالخصوص ترجمه کتب مقدس، که در رأس آنها قرآن کریم مد نظر است. با توجه به اینکه قرآن کریم دارای ویژگی های منحصر به فرد بوده و به لحاظ الهی بودنش متفاوت از سایر متون و کتب می باشد، ترجمه آن نیز بسیار متفاوت از دیگر ترجمه ها بوده و پیچیدگی ها و شرایط خاص خود را داراست. و اینکه ترجمه قرآن حائز بیشترین اهمیت در بین ترجمه ها بوده و در نقطه ماکزیمم اهمیت و صعوبت قرار می گیرد مطلبی است که به اهمیت بالای خود قرآن کریم برمی گردد.

آنچه که قرآن را از سایر کتب بشری و حتی کتب مذهبی ادیان دیگر متمایز می سازد، ویژگی های خاص این کتاب الهی است که به صورت خلاصه می توان اهم آنها را به صورت زیر لیست نمود:

۱) **قرآن ساخته دست بشر نیست:** قرآن کتاب بشری نیست، بلکه کتابی الهی است که متن آن، کلام بی کم و کاست صانع قادر و متعال است. اینکه آیات قرآن از زبان پیغمبر اسلام باشد هیچ خللی در الهی بودن این کتاب وارد نمی کند؛ خود قرآن به این مهم اهمیت فراوان می دهد و به بیان آن می پردازد:

«وَ النَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ مَا ضَلَّٰ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ» (قرآن، نجم(53)، ۵-۱).

این آیه و آیات مشابه دیگر، به صراحت، مبین این واقعیت روشن هستند که قرآن از جنس تولیدات بشری نیست، بلکه مستقیماً از جانب خدا نازل شده است و این امر اهمیت ترجمه قرآن را بیشتر می کند. با توجه به ظرافت های موجود در کلام الله مجید، هر انسانی هر قدر هم که اعتقاد قوی داشته باشد به جهت اینکه جنس انسان است نمی تواند قرآن را آنطور که کما هو قرآن باشد در ترجمه بیاورد. و این است که ترجمه قرآن دقتی مضاعف می خواهد.

۲) **قرآن کتابی است ابدی و جاودان:** بدین معنا که قرآن منزل به زبان عربی، برای سعادت تمامی نوع بشر فرود آمده است و محدوده خاص زمانی یا مکانی ندارد. و این واقعیتی است که قرآن با بیانگری واضح خود بدان اشاره نموده است:

«قُلْ أُمِّي شَيْءٌ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَأَوْحَىٰ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنَ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ» قرآن، انعام(6)، 19.

این آیه به صورتی آشکار جهانی بودن و دائمی بودن دعوت پیامبر را بیان می کند. حال که چنین است سؤالی در ذهن انسان پدیدار می آید و آن اینکه می گوئیم: اولاً با توجه به این واقعیت که قرآن به زبان عربی نازل گشته است و همه مردم دنیا عربی نمی دانند؛ و ثانیاً با توجه به این اصل اساسی که مخاطب قرآن باید آن را بداند و بفهمد تا مقدمه عمل به آن باشد، این مسئله پیش می آید که راه حل موجود برای این مشکل چیست؟ آیا به همه مردم بایستی عربی یاد داده شود و یا این که قرآن باید به همه زبان ها برگردانده شود؟ چرا که به غیر از این دو مورد راه حل دیگری وجود ندارد. یا باید همه مردم دنیا زبان عربی را فرا بگیرند که این کاری است بسیار صعب و دشوار؛ و کار سخت نیز از عهده هر کسی بر نمی آید. و اگر هم بگوئیم این یک تکلیف است، باید توجه کنیم که وسع و توان انسان ها متفاوت از هم است و تکلیف در حدّ وسع می باشد و در پیشگاه الهی تکلیف مالایطاق بر عهده کسی گذاشته نمی شود. «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» خداوند هیچ کس را جز به اندازه تواناییش تکلیف نمی کند (قرآن، بقره(2)، 286). و حال که این امر لاممکن بوده و یا لاأقلّ صعب و مشکل است بایستی به راهی دیگر رفت و آن اینکه بایستی با هر کس به زبان خودش سخن گفت. چرا که پرورش نخبگانی که بتوانند قرآن را به زبان های دیگر برگردانند نه تنها غیر ممکن نیست، بلکه با توجه به اهمیت بالایی موضوع در حدّ یک واجب کفایی عنوان می شود.

۳) **تفاوت سبک بیانی قرآن و محتوای بسیار غنی آن:** سومین عاملی که اهمیت ترجمه قرآن و ظرافت و پیچیدگی آن را برای ما روشن می کند، سبک بیانی قرآن است و و محتوای بسیار غنی و والای آن.

اولاً که قرآن اجمال است و بیشتر از کلیات سخن گفته است و بیان این کلیات در زبان های دیگر، به صورتی که جزئیات مورد نظر قرآن را برساند، مشکل خواهد بود و از عهده هر کسی بر نمی آید.

ثانیاً محتوای قرآن پر است از تمثیلات زیبا، استعارات و کنایات معنی دار، مجاز گویی های فراوان و مانند آن، که همه و همه دست در دست هم داده و فصاحت و بلاغت خاصی به قرآن بخشیده است. باین وصف، انتقال دادن این شیوه بیانی، به نحوی که ادای مطلب نموده و مقصود و مراد گوینده را برساند و همزمان فصاحت و بلاغت کلام را نیز حفظ نماید، بسیار سخت و دشوار خواهد بود و هر کسی را یارای این کار نیست، فلذا اهل فن می خواهد.

این امر در ترجمه قرآن تا حدی حائز اهمیت است که افراد زیادی با آنکه در علوم مختلف تبحر داشته و از دیگران نیز کمک فنی گرفته اند ولی باز نتوانسته اند با آن همه دقتی که به خرج داده اند، ترجمه های ایده آلی را ارائه نمایند.

۴) **نظام ساختاری قرآن:** یکی دیگر از ویژگی های منحصر به فرد قرآن که قابل انتقال به ترجمه نمی باشد، نظم و نظام ساختاری موجود در قرآن است؛ و وقتی که صحبت از ترجمه به زبان های دیگر به میان می آید، این عامل حرف اول را می زند چرا که از جمله عوامل زیبایی قرآن است که اثربخشی قرآن را دوچندان می کند. قرآن شعر نیست اما کمبودی از نظر نظام های شعری ندارد، نثر نیست اما در حدّی بالاتر از آن، زیبایی موجود در نثر را داراست. و این واقعیتی است که در تاریخ ثبت شده است.

با توجه به اینکه زبان انگلیسی به عنوان زبان بین المللی در سطح دنیا مطرح است و متکلمان زیادی با این زبان آشنایی داشته و با آن تکلم می نمایند و یا اگر تکلم ندارند، حداقل با آن آشنایی نسبی دارند، می توان گفت که در بین غیر مسلمانان بیشترین مخاطب از آن ترجمه های انگلیسی قرآن است و این حاکی از میزان اهمیت و اثربخشی ترجمه های انگلیسی است.

مطلب دوم در این زمینه، که مهم تر از اولی است، اینکه مخاطبان ترجمه های انگلیسی قرآن بیشتر از میان غیر مسلمانان هستند که آشنایی با زبان اصلی قرآن ندارند و نمی توانند متن عربی آن را بخوانند، فلذا می توان عنوان نمود که برای آنان ترجمه، خود قرآن است و آن پیامی که این گروه از ترجمه انگلیسی قرآن دریافت می کنند، برایشان در حکم اصل خواهد بود چرا که توفیق استفاده از اصل عربی قرآن و بررسی ترجمه با توجه به اصل، از آنان سلب شده است. افزون بر این دو عامل مهم، عامل سومی هم وجود دارد که شایان ذکر است و آن عبارت است از مترجمان قرآن به زبان انگلیسی.

این دسته از مترجمان دو گروه اند: گروه اول مسلمانانی هستند که با ترجمه قرآن می خواهند در گسترش فرهنگ اسلام و قرآن نقش آفرینی کنند. دومین گروه از این مترجمان، غیر مسلمانان هستند که باز با توجه به هدفی که دارند دو گروه هستند: گروهی که بخواهند بدون هیچ گونه غرض ورزی، دست به یک اقدام علمی و فرهنگی زده و خدمتی به جامعه بشری نموده باشند که در جای خود کار پسندیده ای است و لیکن همچنان که گذشت این نگرانی وجود دارد که به دلیل عدم آشنایی با منابع اصیل اسلامی و اصول اساسی دین مبین اسلام، برداشت هایی متفاوت از قرآن داشته و به جای گسترش اهداف اصیل اسلامی، آنها را گسترش دهند، که برای جلوگیری از این کار باید دقت زیادی نمود و قبل از پرداختن به ترجمه، مقدماتی را که برای یک مترجم خوب لازم است، کسب کرد.

و اما گروه دیگر، افراد غیر مسلمانی هستند که نه برای تبلیغ اسلام و قرآن، بلکه برای ضربه زدن به اسلام و قرآن دست به ترجمه قرآن می زنند که عموماً افراد مغرض و کینه توزی هستند که با اسلام دشمنی دارند و می خواهند با ترجمه های ساختگی و آلوده خود، معارف ناب اسلامی را به باب میل خود در جوامع بشری معرفی نموده و از عظمت و بلندای شکوه این معارف بکاهند.

پیشینه ترجمه قرآن به زبان انگلیسی

ترجمه قرآن به زبان انگلیسی که از زبان های رایج و مهم اروپایی است نه تنها دارای سابقه ای طولانی است بلکه در کنار آن از اهمیتی دو چندان برخوردار می باشد. و اگر ترجمه های قرآن به همه زبان های دنیا را در نظر بگیریم طبق فهرستی که آیت الله معرفت در کتاب خود آورده است، ترجمه انگلیسی از نظر تعدد مجلدات ترجمه و نیز تعداد مترجمین در ردیف سوم قرار دارد (معرفت، 1387، ج 1، ص 167). و اگر موضوع اول این مقوله، یعنی بین المللی بودن این زبان را در کنار این مسئله قرار دهیم می توانیم بگوییم که ترجمه انگلیسی قرآن، مهم ترین ترجمه قرآن به زبان های اروپایی است. طبق نظر خرمشاهی (۱۳۷۶، ص 532) بیش از 295 ترجمه کامل و 131 ترجمه ناقص یا برگزیده از قرآن به زبان انگلیسی تا سال 1980 میلادی به عمل آمده است، که این رقم در کتاب تفسیر و مفسرون استاد معرفت به صورت کلی یکجا ذکر شده است که تعداد 74 مترجم، قرآن کریم را در 316 مجلد به زبان انگلیسی ترجمه نموده اند (۱۳۸۷، ص 167).

نخستین ترجمه انگلیسی غیرکامل از قرآن کریم، در سال 1515 میلادی به عمل آمده است و نخستین ترجمه کامل قرآن کریم به زبان انگلیسی توسط یک اسکاتلندی به نام الکساندر راس و از روی یک ترجمه فرانسوی به عمل آمده است. اما آرتور آربری، مترجم معروف قرآن، تاریخ انتشار این ترجمه کامل را در سال 1657 میلادی دانسته است (خرمشاهی 1376، ص 532).

باورهای مذهبی

باورهای دینی همان اعتقاداتی هستند که هر فردی دارای آنهاست و در زندگی خود به آنها پایبند بوده و خط و مشی و رفتارهای او را تحت تأثیر قرار می دهند. متفاوت بودن باور دینی در افراد، به اختلاف مکاتب فقهی، کلامی و... آنها برمی گردد. واقعیت آن است که دین الهی یکی است که خود قرآن نیز به این واقعیت پرداخته است: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» دین در نزد خدا، اسلام و تسلیم بودن در برابر حق است (قرآن، آل عمران (3)، 19).

حال سؤالی مطرح می شود و آن این است که: وقتی همه ادیان بر یک پایه استوار هستند و هدف همه آنها واحد است پس این همه اختلاف و عدم پذیرش آیین جدید توسط پیروان آیین های قبلی چیست؟

در پاسخ این سؤال باید گفت که این همان مطلبی است که منشأ باورهای دینی مختلف نیز هست؛ و اساسی ترین نقش را در این میان رهبران دینی مکاتب مختلف بازی نموده اند و مردم عادی و هواداران از آنها پیروی نموده اند ولی واقعیت معلوم است و آن اینکه همه این افراد به نوعی به خود ظلم روا داشته اند مگر آنهایی که بر اصول اساسی تکیه زده و به هیچ وجهی از وجوه از آنها عدول ننموده اند. قرآن نیز به این مسئله پرداخته و افرادی را که از وحدت آیین های الهی پیروی ننموده اند ظالم

معرفی نموده است: « وَ مَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ اَوْتُوا الْكِتَابَ اِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَ مَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَاِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ » و کسانیکه کتاب آسمانی به آنان داده شد، اختلافی در آن ایجاد نکردند، مگر بعد از آگاهی و علم، آن هم به خاطر ظلم و ستم در میان خود و هرکس به آیات خدا کفر ورزد، خدا به حساب او می‌رسد زیرا خداوند، سریع الحساب است. (قرآن، آل عمران(3)، ۱۹).

عوامل موثر در ظهور ایدئولوژی مترجم در ترجمه های قرآن

ناگفته پیداست که سر و کار ما در ترجمه قبل از هر چیزی با واژگان و کلمات است. و این واژگان برای رساندن یک مفهوم باید در قالب های مشخصی در کنار هم قرار گیرند. این طرز چینش کلمات در کنار هم، بر اساس قواعد دستوری خاصی است که در زبان های مختلف متفاوت می باشد. در این میان آنچه که مهم به نظر می رسد این است که ساختارهای زبانی و واژگان کاربردی از زبانی به زبان دیگر متفاوت است و گاهی گستره معنایی واژه ها نیز یکسان نیستند. بنابراین به جرأت می توان گفت که اساسی ترین نقش را در ترجمه زبان و ساختارهای زبانی ایفا می کنند. اما استفاده از ساختارهای متفاوت (قواعد نحوی) و نیز واژگان سلیقه ای در ترجمه ها، از مقوله ای دیگر منتج می شود که این مقوله دیگر، یک جزء زبانی نیست. این مقوله غیر زبانی همان باورهای دینی و ایدئولوژیک است. با توجه به این واقعیت که ایدئولوژی و باورهای مذهبی جزئی از زبان نبوده ولی در عین حال ترجمه ها را تحت تأثیر خود درآورده و ایفای نقش می کنند، می توان گفت که مسائلی بیرون از حیطه زبانی، در ترجمه و بویژه در ترجمه متون دینی مؤثر هستند. نتیجه آنکه ترجمه زبانی ابعاد فرازبانی از جمله ایدئولوژی نیز هست. در کنار این باید دانست که « فرازبان و از جمله ایدئولوژی، مانند ساختارهای زبانی، مقولاتی با مرزهای مشخص و کدگذاری شده (coded) نیستند، مضاف براینکه معمولاً ناخودآگاهند و غیرمستقیم ترجمه را تحت تأثیر قرار می دهند» (مصفا جهرمی، میمنه و کتابی . ۱۳۸۷). نقش ایدئولوژی در ترجمه های قرآنی. مطالعات ترجمه. شماره 22 ص ۸۸-۴۱).

مطلب دوم که باید بدان پرداخت پاسخ دادن به این سؤال است که آیا تأثیر ایدئولوژیک بر روی ترجمه، صرفاً ناآگاهانه است یا بصورت آگاهانه هم ممکن است؟ در پاسخ باید گفت: ایدئولوژی و به طبع آن باور ایدئولوژیک از یک مسئله، با افکار فرد آمیخته شده و با فرد مورد نظر منتقل می شود و خود را در تمامی فعالیت ها و اثرات وی بروز می دهد. حال اگر کسی بخواهد آن را بصورت عمدی و مغرضانه در جایی به ظهور برساند، این امکان فراهم است و این همان کاربرد آگاهانه باورهای دینی است. این امر در ترجمه نیز ممکن است و این امکان را مسائل درون زبانی برای شخص فراهم می آورند. اما تأثیر ایدئولوژیک در ترجمه بیشتر به صورت ناخودآگاه ظاهر می شود و دلیل این امر یکی از واقعیت های فکری و روحی نوع انسان است. در این کار تحقیقی ما بر آن هستیم تا نشان دهیم تا چه حدی باورهای دینی در ترجمه های انگلیسی قرآن خود را ظاهر می سازند و این ظهور از چه طریقی صورت می گیرد؟ اما لازم است قبل از بررسی ترجمه ها و پرداختن به اصل مطلب، این مسئله را مورد بررسی قرار دهیم که چه عوامل زبانی یا درون زبانی، به ظهور آگاهانه یا ناآگاهانه باورهای ایدئولوژیک در ترجمه کمک می کنند. به عبارت دیگر، امکان اتیان باور دینی، هرچند بصورت نهانی و پوشیده، در ترجمه های انگلیسی قرآن از چه راهی فراهم می شود؟ در پاسخ باید گفت که این تأثیر از طریق واژگان و قواعد نحوی زبان ها در ترجمه ها ظاهر می شود.

چگونگی تأثیر ایدئولوژی بر ترجمه از طریق واژگان

الف - تعدد معنایی واژگان: در زبان های مختلف واژگانی هستند که از گستره معنایی یا تعدد معنا برخوردار هستند و یک واژه واحد، دارای معانی متعدّد است. این مسئله تحت عنوان چند معنایی (polysemy) در زبانشناسی مطرح است که عبارت است از یک کلمه واحد که دارای دو معنا یا چند معنای نزدیک بهم است .

ب - استفاده از قالب های معنایی مثل استعاره، تمثیل، مجاز و کنایه:

یکی دیگر از مسائلی که می تواند پس زمینه اعتقادی مترجم را در ترجمه آشکار سازد، استفاده از استعاره و مجاز (metaphor) در متن اصلی یا متن مترجم است. همچنانکه می دانیم بعضی واژگان، علاوه بر معنای ظاهری خود، گاه دارای معنای استعاری یا مجازی (metaphorical meaning) و نیز کنایی (metonymy) هستند که این کاربردها در قرآن نیز زیاد است. آیات فراوانی هستند که یک واژه خاص در آنها در معنای استعاری و مجازی به کار رفته است. کاربرد تشبیه (simile) نیز از این مقوله است.

ج- وجود واژگانی متفاوت با معانی نزدیک به هم:

گاه کلمات متفاوتی وجود دارند که از یک معنای واحد برخوردار بوده و از نظر معنایی در یک حوزه قرار می گیرند. در مورد اینگونه کلمات بحث بار معنایی مثبت و منفی مطرح می شود. به عنوان مثال در زبان فارسی، عبارات: به ملکوت اعلی پیوست، به سوی رحمت ایزدی شتافت، جان به جان آفرین تسلیم نمود، با دار فانی وداع نمود، درگذشت، از دنیا رفت، مرد و ... همگی یک معنای ظاهری را انتقال می دهند و آن اینکه فردی از این دنیای خاکی رخت سفر بر بسته است؛ اما اقتضای ادب سخن آن است که فعل مورد نظر به تناسب شخص مورد نظر انتخاب شود. در متون مذهبی نیز چنین مسئله ای پیش خواهد آمد؛ بویژه آنجا که کاری به خداوند و پیامبران الهی منسوب باشد. و این انتخاب واژگانی، می تواند نشان دهنده دیدگاه مذهبی و ایدئولوژیک مترجم باشد.

چگونگی تأثیر ایدئولوژی بر ترجمه از طریق نحو و قواعد نحوی

همچنانکه قبلاً نیز بیان گردید، ترجمه یک مبحث ایدئولوژیک نیست، بلکه تحت تأثیر ایدئولوژی قرار می گیرد که یکی از موارد راهگشا برای این تأثیر قواعد موجود نحوی می باشند. در واقع می توان عنوان نمود که ایدئولوژی در عرصه ترجمه قرآن کارگردانی اصلی ندارد؛ اما در پشت صحنه این کارگردانی ها نقش ایفا می کند و پس زمینه یا پیش درآمدی است برای امر خطیر ترجمه. ایفای نقش در این مورد به این صورت است که مترجم ساختارهای زبانی را طوری انتخاب می کند که {آگاهانه یا غیرآگاهانه} به نوعی باورها و تفکرات دینی شخص مترجم در ترجمه رنگ و بوی خود را نشان می دهد. و درست به همین دلیل است که از یک متن واحد، ترجمه های گوناگونی ارائه می شود که در ظاهر همان معنا را می رسانند؛ اما اگر به بررسی ایدئولوژیک ترجمه، همزمان با بررسی زبانی آن پرداخته شود، کاملاً آشکار خواهد شد که اختلافات زبانی موجود در ترجمه، گاهی از مسائل فrazابانی نشأت می گیرد که این مسائل فrazابانی از فرصت های موجود در زبان استفاده نموده و نقش خود را به خوبی ایفا می نمایند.

در ظاهرسازی رنگ ایدئولوژیک در ترجمه، قواعد نحوی می توانند مؤثر واقع شده و ایفای نقش کنند. بعضی کلمات در جمله می توانند نقش های دستوری مختلفی را قبول کنند و از این طریق روی معنای کلام تغییراتی ایجاد کنند؛ همچنین بعضی کلمات انواع مختلفی دارند که هر نوع در جایگاه خاص خود ظاهر شده و بر معنای کل کلام تأثیرگذار می گردد. حال که کلیات مطلب بیان گشت، بهتر آن است که به اصل کلام برگردیم و ادعای خود را به وهله اثبات برسانیم. برای رسیدن به این مهم، همچنانکه قبلاً هم اشاره شد، ناگزیر از آن هستیم که به بررسی موردی آیاتی از قرآن بپردازیم. حال برای نشان دادن تأثیر ایدئولوژی در ترجمه های انگلیسی قرآن، به بررسی ترجمه های چندین آیه می پردازیم:

۱- آیه ولایت

«وهم راکعون ائما ولیکم الله ورسوله والذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة ویؤتون الزکو» (قرآن، مائده (5)، ۵۵).

آقای علیقلی قرائی در ترجمه واژه «ولی» از لغت guardian استفاده نموده است که بهترین انتخاب است. و معنای سرپرستی را به نحو احسن می رساند. و همچنین در ترجمه خویش «واو حالیه» را به while ترجمه نموده است که هم زمانی پرداخت زکات و بودن در رکوع را به تمام معنای کلمه می رساند. و مخاطب با خواندن این ترجمه، بدون مراجعه به متن عربی می تواند به این هم زمانی پی ببرد. و این امر رساننده شأن نزول آیه است چرا که این هم زمانی فقط در مورد حضرت امیرالمومنین علی (ع) اتفاق افتاده و لاغیر. و هم چنین اشاره به این دارد که باور دینی این مترجم در ترجمه خود را نشان داده و خودنمایی می کند. چرا که او یک شیعی مذهب است و باورمذهب تشیع همان مسئله ولایت بی قید و شرط امام علی (ع) می باشد.

به این حقیقت که این آیه در شأن حضرت علی (ع) نازل شده است در بسیاری از تفاسیر بزرگ اهل سنت اشاره شده است (ابن عربی، 1422، ج 1، ص 180؛ آلوسی، 1415، ج 3، ص 334؛ سیوطی، 1404، ج 2، ص 293 و ...).

الهلالی و محسن خان، در ترجمه واژه «ولی» از دو کلمه انگلیسی Protector or Helper استفاده نموده اند که به معنی یاریگر و کمک کننده هستند. و اینکه ترجمه کاملاً رنگ و بوی ایدئولوژیک خود را نشان می دهد. چرا که این انتخاب مسلماً جهت فرار از پذیرش سرپرستی و امامتی است که واجب الإطاعت است. ضمناً در آیه حصر وجود دارد که در ترجمه نیز به خوبی با واژه Verily به آن اشاره شده است، و این معنا با حصر سازگار نیست چرا که مؤمنان همگی یار و یاور و حامی همدیگر باید باشند. با توجه به اینکه این ولایت همان ولایت الهی است باید گفت که این مترجمین در ترجمه این آیه تعمداً این معادل را آورده اند.

در تفسیر کشف الاسرار و عدّة الأبرار آمده است: « ولی و مولی در لغت عرب، هر دو یکی است . خداوند متعال در جایی می فرماید :الله ولی الذین آمنوا(قرآن، بقره(2)، آیه 257) و در جایی دیگری فرماید: ذلك بأن الله مولى الذين آمنوا (قرآن، محمد(47)، آیه 11) و معنای آن دو یکی است؛ و در خبر هم آمده است:

«من كنت مولا فلعلى مولا» و این یعنی ولایت در دین که بالاترین ولایت هاست. (میبدی، 1371، ج3، ص149).

همچنان که اشاره شد ولایت در آیه 257 سوره بقره با ولایتی که در آیه مورد بحث آمده است یکی است. چرا که هر دو ولایت، ولایت خداوندی است که در « الله ولی الذین آمنوا » به صورت کلی آمده است و در آیه «إنما وليکم الله و رسوله والذین آمنواالذین یقیمون الصلوة و یؤتون الزکوة و هم راکعون» همین ولایت به صورتی بسط داده شده است. و حال آنکه در ترجمه الهلالی و محسن خان متفاوت ترجمه شده اند: در ترجمه آیه 257 سوره بقره آمده است:

Allah is the Wali (Protector or Guardian) of those who believe.

در اینجا در ترجمه ولی واژه Guardian به کار رفته است که معنای سرپرستی را به صورت کامل می رساند؛ این در حالی است که در آیه ولایت (آیه مورد نظر) این معادل آورده نشده است.

هم چنین در ترجمه الهلالی و محسن خان « و او حالیه» به صورت ساده به and ترجمه شده که در ایفای مقصود آیه چندان کامل نیست و تا فردی از متن عربی متوجه نشود، از این ترجمه متوجه حالیه بودن این «واو» نمی شود که امر هم زمانی را می رساند.

۲- آیه اولی الامر

« يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا » (قرآن، نساء(4)، 59).

مهم ترین قسمت از آیه که بایستی مورد توجه واقع شود و محل بحث می باشد، عبارت است از: وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ.

در ترجمه عبارت « أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ » قرائی عبارت زیر را به کار برده است:

Obey Allah and obey the Apostle and those vested with authority among you

اما عبارت

Obey Allah and obey the Messenger (Muhammad), and those of you (Muslims) who are in authority

توسط الهلالی و محسن خان به کار برده شده است. با توجه به آنکه مراد از کلمات «الله» و «الرسول» در آیه مشخص می باشد نیازی به بررسی نیست. و اما واژه «اولوالامر» در آیه حائز اهمیت می باشند و در ترجمه ها نیز مختلف آمده است. بهترین ترجمه برای «اولی الامر» در ترجمه قرایی آمده است که نشان دهنده اعتقاد مذهبی وی نیز می باشد. بنا به اعتقاد شیعه ولایت و امامت یک امانت الهی است که از طرف خداوند در اختیار افراد خاصی قرار داده می شود و این امر در آیه 124 سوره بقره نیز مورد تاکید است که می فرماید: « لاینال عهدی الظالمین». فلذا می بینیم که در ترجمه قرائی those vested with authority among you آمده است که authority را که به معنی موقعیت خاص و قدرت و ولایت است، اعطا شده از جایگاه خاصی می داند و نه قدرتی از خود افراد، که با عبارت vested with در این ترجمه ظهور کرده است.

الهلالی و محسن خان نیز عبارت and those of you (Muslims) who are in authority را در ترجمه این واژه تخصصی مناسب دیده اند. در این ترجمه از مطلب مورد اشاره در نزد تشیع چیزی برداشت نمی شود و با توجه به معانی مختلف authority که یکی هم قدرت است می توان گفت که بیشتر ناظر به نظر دانشمندان اهل تسنن است. حال در مورد ترجمه الهلالی و محسن خان باید گفت که این امر کاملاً آشکار است چرا که با یک نگاه به عبارت those of you (Muslims) who are in authority می شود گفت که به «اولی الامر» نگاهی کلی دارد و دایره آن را گسترش می دهد که هر کسی صاحب قدرت شد او اولوالامر محسوب می شود. یعنی هرکس که در حال حاضر در قدرت است و بر مردم حکومت دارد مطاع خواهد بود و این چیزی نیست جز اعتقاد اهل سنت در مورد اولی الامر.

البته در ادامه ترجمه ها نیز مطلبی نهفته است که مربوط است به ترجمه عبارت « فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ » که به صورت زیر است: قرائی برای آن معادل And if you dispute concerning any thing را آورده است که باز هم به عقیده امامیه اشاره دارد که بروز اختلاف را در بین مردم عادی می دانند و نه آنکه اولی الامر را هم وارد در آن کنند و این بدان معناست که صحبت از اختلاف بین کسانی است که مخاطب آیه اند یعنی « يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا»، و خود اولی الامر بین این مخاطبان نیستند چرا که طبق ظاهر حکم آیه، این مخاطبین باید از آنها اطاعت کنند.

الهالی و محسن خان عبارت *And if you differ in anything amongst yourselves* را در ترجمه خود آورده اند که به خودی خود شکل مذهبی نداشته و عقیده ای را تقویت نمی کند، اما با قرار گرفتن در کنار فراز قبلی ترجمه یعنی *and those of you (Muslims) who are in authority* در این فراز از ترجمه *those of you (Muslims)* وارد در بین مخاطبان آیه شده است که این تعریف خاصی از اولی الامر است که اهل سنت به آن پرداخته اند.

۳- آیه تطهیر

«... إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (قرآن، احزاب(33)، 33).

این آیه نیز از جمله آیاتی است که محل اختلاف بین مفسرین واقع شده است. در فراز اول این آیه احکام و مسائلی در ارتباط با زنان و همسران پیامبر اکرم (ص) آمده است که بیان حکم با ضمیر مونث است، در این قسمت که محل بحث است ضمائر مذکر آمده است و در قسمت های بعدی نیز باز روی سخن با همسران پیغمبر است. فلذا اختلاف نموده اند در مورد اهل بیت که مراد از آن کیانند؟

علمای امامیه بر این اعتقاد هستند که مراد از اهل بیت، افراد معصوم از خاندان پیامبر هستند و لاغیر. (سبزواری نجفی، 1419، ج 1، ص 428). البته ناگفته نماند که بسیاری از دانشمندان عامه نیز این قول را بیان نموده اند و وارد در حکم آیه می دانند با این تفاوت که آنها حکم را مختص در این افرادی که اشاره شد نمی دانند و آن را تعمیم می دهند به همه افراد درون خانواده پیغمبر (ص) (ثعالبی، 1418، ج 4، ص 346).

اما گروهی از علمای اهل سنت چنین بیان داشته اند که این آیه و حکم آن منحصر در زنان و زوجات پیامبر می باشد (ابن عطیه، 1422، ج 4، ص 384؛ بغوی، 1420، ج 3، ص 637 و ثعالبی، 1422، ج 8، ص 35). و می توان گفت که بی انصاف ترین دانشمندان اینان هستند. چرا که لاقل به ظاهر آیه هم توجهی ننموده اند و توجهی لاقل به ضمائر به کار رفته در آیه نکرده و یا نگاهی به ترکیب آیات در کل قرآن نداشته اند که قرآن بنا به ترتیب نزول آیاتی دارد که مباحثی متفاوت در آنها بیان شده است. اما این گروه توجهی به آن نداشته و به راحتی از کنار آن گذشته اند.

قرایی در ترجمه فراز اول این قسمت از آیه یعنی «*إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ*» معادلی به صورت زیر آورده است *Indeed Allah desires to repel all impurity from you, O People of the Household* با توجه به اینکه نظر تشیع عصمت تمام و کمال برای خاندان نبوت بوده، عبارت *to repel all impurity from you* می تواند مبین این رأی باشد چرا که *all impurity* به معنی «همه گونه ناپاکی» بوده و معنای رجس را تعمیم کلی داده است. برای بیان اهل بیت از معادل *People of the Household* را بکار برده که ترجمه تحت اللفظی آن است و گویای مطلب خاصی نیست.

و نیز برای عبارت «*و يُطَهِّرْكُمْ تَطْهِيراً*» معادل *and purify you with a thorough purification* را به کار برده است که باز هم در بردارنده باورهای شیعی در این ترجمه است چرا که *thorough purification* همان تأکید بر نوع طهارت است که طهارتی است کامل و کلی. البته باید گفت که این تأکید در خود آیه هم موجود است که با کلمه *تَطْهِيراً* بیان شده است که مفعول مطلق تأکیدی است.

اما الهالی و محسن خان نیز ترجمه خود را به شکلی آورده اند که کاملاً طرفدار عقیده دانشمندان عامه ظاهر شده است.

Allah wishes only to remove Ar-Rijs (evil deeds and sins) from you, O members of the family (of the prophet), and to purify you with a thorough purification.

در این ترجمه معادل انتخاب شده برای اهل بیت *O members of the family (of the prophet)* می باشد که گویای باور دینی آنهاست. واژه *member* به معنای عضو می باشد و وقتی صحبت از *members of the family* به میان می آید شامل تمام اعضای خانواده می شود که همسر و زن خانه نیز در بین اعضای خانواده است. با این ترجمه، مخاطب به این نتیجه می رسد که تمام اعضای خانواده پیامبر داخل در حکم آیه اند که زوجات پیامبر نیز در بین آنها هستند و این یعنی همان برداشتی که اینان از این آیه دارند. و نیز آمدن واژه *only* در ابتدای ترجمه می تواند بیان کننده عقیده علمای عامه در مورد عصمت باشد که آنان عصمت را کلی و در همه امور نمی دانند.

۴- آیه علم الکتاب

« وَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ » (قرآن، رعد(13)، 43).
در آیه مورد نظر، آنچه که محل بحث و اختلاف نظر می باشد فراز آخر آیه، یعنی وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ است و در اینکه مراد از آن چه کسانی باشد اختلاف نموده اند.

قرایی در ترجمه « وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ » عبارت *and he who possesses the knowledge of the Book* جایگزین نموده است که دقیقاً ترجمه عبارت عربی است و نمی توان گفت که ترجمه دارای تأثیر مذهبی است و تنها نکته ای که شاید بتوان بدان اشاره نمود آوردن ضمیر مفرد *he* می باشد که می تواند اشاره ای به نظر اکثریت علمای امامیه باشد. اکثریت قریب به اتفاق علمای امامیه بر این باورند که مراد آیه علی (ع) می باشد (طبرسی، 1372، ج 6، ص 462 و سبزواری نجفی، 1419، ج 1، ص 260).

اما ترجمه الهلالی و محسن خان متفاوت از این ترجمه است. آنها در ترجمه عبارت « وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ » جمله انگلیسی *those too who have knowledge of the Scripture* را آورده اند که نظر اکثریت علمای عامه را در ترجمه زنده نموده است. بسیاری از دانشمندان اهل سنت بر این اعتقادند که این فراز از آیه به دانشمندان و علمای یهود و نصاری اشاره می کند که عالم به کتب الهی اند و نشانه های پیامبر آخرالزمان را می دانند. از دانشمندانی مانند عبدالله بن سلام، وهب بن منبّه، سلمان فارسی و تمیم داری نام برده اند و تعدادی از آنها، در حالت خاص به عبدالله بن سلام اشاره نموده اند (قاسمی، 1418، ج 6، ص 194؛ نووی، 1417، ج 1، ص 564 و زحیلی، 1418، ج 2، ص 1177). این امر، در ترجمه الهلالی و محسن خان، با آورده شدن ضمیر جمع *those* مشخص شده است و نیز واژه *Scripture* را آورده اند که به معنی کتاب مقدس می باشد. البته در این ترجمه برای آنکه مراد آیه برای مخاطب کاملاً روشن شود منظور خود را به صورتی آشکار در داخل پرانتز آورده اند که به صورت زیر است:

(such as Abdullah bin Salam and other Jews and Christians who embraced Islam)

و این، رنگ و بوی مذهبی و اعتقادی این ترجمه را کاملاً نشان می دهد. این مسئله در این ترجمه تا حدی واضح است که هیچ جایی برای این عقیده که امام علی (ع) را وارد در حکم آیه بدانیم نگذاشته است و آن را در علمای اهل کتاب منحصر ساخته است. در حالی که علمای عامه نیز در کتب خود این قول را آورده اند که امام علی (ع) وارد در حکم آیه می باشند (ابن جوزی، 1422، ج 2، ص 502؛ ابن العربی محمدبن عبدالله، بی تا، ج 3، ص 1113).

۵- آیه اهل الذکر

« وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ فَسَلُّوا أَهْلَ الذَّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ » (قرآن، نحل(16)، 43).
در اینکه مورد خطاب در آیه چه کسی و یا چه کسانی هستند، نظرات مختلف ارائه شده است:
(۱) مورد خطاب در قسمت اول آیه شخص پیغمبر است و در قسمت دوم جمع مردم.
(۲) مورد خطاب مشرکان قریش هستند که از آنها خواسته شده به اهل الذکر مراجعه نمایند.
(۳) مورد خطاب عموم افرادی هستند که باید به اهل الذکر مراجعه نمایند تا مشکل (عدم دانستن چیزی) برای آنها حل شود.
علامه طباطبایی پس از بیان نظرات مختلف و نقد و بررسی آنها، مورد سوم را تأیید نموده است (طباطبایی، 1417، ج 12، ص 257).

در مورد اهل ذکر نیز اقوال مختلفی گفته شده است که به بیان آنها می پردازیم:
علمای عامه بیشتر بر این اعتقاد هستند که مراد از اهل ذکر علما و دانشمندان یهود و نصاری از اهل کتاب هستند و نیز به صورت عام گفته اند که مراد به صورت کلی تمام کسانی هستند که معنای کتب الهی می دانند و عالم به اخبار هستند. و نیز گفته اند مراد اهل قرآن هستند (فخرالدین رازی، 1420، ج 20، ص 211؛ بغدادی، 1415، ج 3، ص 79؛ زمخشری، 1407، ج 2، ص 607 و سیوطی، 1404، ج 4، ص 118).

اکثریت قاطع علمای امامیه پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت او را مصداق بارز اهل ذکر دانسته اند، هر چند مراد آیه را خاص آنان ندانسته و تعمیم داده اند. و گفته اند که این مصداق منافات با عموم آیه ندارد (فیض کاشانی، 1418، ج 1، ص 649. بحرانی، 1416، ج 3، ص 423-429. طوسی، بی تا، ج 6، ص 384 و گنابادی، 1408، ج 2، ص 413).

در بررسی ترجمه های انگلیسی، باید گفت که آن قسمت از ترجمه که می تواند ارائه دهنده نقش عقاید و باورهای دینی باشد، ترجمه اهل الذکر است، چرا که محل بحث و جدل است.

قرایی در ترجمه اهل الذکر، معادل انگلیسی *the People of the Reminder* را به کار برده است که هیچ نشانی از اعتقاد مذهبی در آن نیست و تنها ترجمه تحت اللفظی این عبارت را آورده است که همان عمومیت آیه را می رساند و به خصوص موارد اشاره ای ندارد.

اما در ترجمه ارائه شده توسط الهلالی و محسن خان به چند نکته باید توجه داشت که در ترجمه و فهم مخاطب از آن موثر هستند:

اولاً این ترجمه مخاطب آیه را مشرکان مکه دانسته است. یعنی از موارد مورد ذکر در بالا برای مخاطبین آیه، تنها یک مورد آن یعنی مشرکان مکه را در ترجمه آورده است و برای ترجمه عبارت *فَسُئَلُوا* معادل انگلیسی (*So ask (you, O pagans of Makkah)* را جایگزین کرده و در واقع از این نظریه جانبداری کرده است و مخاطب این ترجمه با خواندن آن سایر گزینه ها را به عنوان مخاطب این آیه در نظر نخواهد آورد مگر آنچه اطلاع قبلی در این زمینه داشته باشد. فلذا می بینیم که این قسمت از ترجمه کاملاً نشان از جانبداری از ایده خاص است چرا که بیان مصداق اصلاً در حیطه ترجمه نیست.

ثانیاً در مورد اهل الذکر نیز معادلی آورده است که بیشتر ناظر به عقیده اکثریت علمای عامه بوده و آن عقیده را تقویت می کند. در این ترجمه معادل *those who know the Scripture* برای اهل الذکر آمده است و می دانیم که واژه *Scripture* ناظر است به کتب مقدّس، و بیشتر در مورد کتب مقدّس پیشین به کار می رود. لذا می بینیم که در این قسمت از ترجمه نیز با آمدن این واژه حال و روی مذهبی این ترجمه مشخص است و می توان گفت که در این قسمت از ترجمه نیز بیشتر از آنکه ترجمه ارائه شود به ارائه نظر در مورد مصداق آیه پرداخت شده است.

ثالثاً باید گفت که جانبداری از یک عقیده خاص در این ترجمه تا آنجا پیشرفته است که در مورد اهل الذکر پا را فراتر نهاده و برای آنکه در ایصال به مطلوب و مراد مورد نظر یک گروه خاص سنگ تمام گذاشته باشند پس از بیان *those who know the Scripture*، در داخل پرانتز به ارائه توضیح بیشتر پرداخته و در توضیح آن اینگونه آورده است *learned men of the Turat (Torah) and the Injil (Gospel)* که با این توضیح هیچ مصداقی برای *the Scripture* باقی نمی ماند جز کتب مقدّس تورات و انجیل. و می دانیم که این همان نظر اهل سنت در مورد مصداق اهل الذکر است.

۶- آیه مودّت

« ... قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ »
قرآن، شوری (42)، 23.

در این آیه خداوند از پیامبرش می خواهد به مردم اعلان کند که من در برابر انجام رسالتم، هیچ پاداشی از شما نمی خواهم، تنها از شما می خواهم که به اهل بیت محبت داشته باشید. نکته مهمی که در این آیه نهفته است آن است که مراد از *الْمَوَدَّةَ* فی القربى چیست؟

در معنای این عبارت در بین مفسرین اختلاف است. صاحب تفسیر وزین مجمع البیان در این مورد می نویسد:

(طبرسی، 1372، ج 9، ص 43) در معنی این آیه اختلاف کرده و سه قول آورده اند:

(۱) حسن و جبائی و ابی مسلم گفته اند قریبی به معنی تقرب به درگاه الهی است، و مودّه فی القربى یعنی دوست داشتن طاعت و تقوی در راه تقرب به درگاه الهی.

(۲) از قول ابن عباس و قتاده و مجاهد و جماعتی آورده است یعنی: مرا به خاطر قرابتی که با شما دارم دوست بدارید و به خاطر خویشاوندی مرا حفظ کنید، چون تمامی قریش با رسول خدا (ص) نسبت خویشاوندی داشتند و لذا طرف خطاب آیه تنها مردم قریش خواهند بود.

(۳) از قول امام سجاد(ع) و سعید بن جبیر و عمرو بن شعیب و امام باقر و امام صادق (ع) آمده که معنی آیه اینست من از شما در برابر رسالتم جز دوستی نزدیکان و اهل بیتم مزدی نمی خواهم هر احترامی که می خواهید به من بگذارید به آنان بگذارید. باید گفت که اکثر مفسرین عامه معنای مودّه فی القربى را، همان قول اول یعنی دوستی خدا و پیغمبر از طریق عمل به صالحات و تقرب جستن به درگاه الهی دانسته اند (ایباری، 1405، ج 11، ص 136. طبری کیهامی، 1405، ج 4، ص 365 و حقی بروسوی، ج 8، ص 311).

بعضی از علمای عامه مخاطب پیامبر در ارائه این مطلب را تنها قریش از مردم مکه دانسته اند. بدین معنا که پیامبر اسلام از آنها می خواهد به خاطر قرابتی که با او دارند، وی را اذیت نموده و به همین دلیل به او مودت نشان دهند (محلّی و سیوطی، 1416، ج 1، ص 489 و ابن عجبیه، 1419، ج 5، ص 211).

در مورد ترجمه قرآنی باید گفت که بدون هیچگونه جانبداری از عقیده مذهبی خویش به ارائه ترجمه پرداخته است و برای ترجمه عبارت *إِلَّا الْمَوْدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ* از معادل انگلیسی *except love of [my] relatives* استفاده نموده است. این ترجمه دقیقاً مانند متن اصلی خود، به صورت کلی آمده است و طوری ترجمه نشده است که بتوان گفت حال و هوای مذهبی دارد. واژه *القربى* در عربی عمومیت دارد و در انگلیسی نیز، *relatives* کلی بوده و به همه خویشاوندان اطلاق می شود. ترجمه الهلالی و محسن خان، طوری ارائه شده که فقط به پرورش یکی از نظرات در مورد مفهوم *مودة* فی القربى می پردازد و در مورد بقیه نظرات ساکت و خاموش است. در این ترجمه، برای ترجمه عبارت *إِلَّا الْمَوْدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ*، از معادل انگلیسی *except to be kind to me for my kinship with you* استفاده شده است که معنای مهربانی با خود پیامبر به خاطر خویشاوندی او با مخاطبان آیه را به همراه دارد و محبت و مودت به خویشاوندان، چه به صورت مطلق و چه خویشاوندان پیامبر به صورت خاص، از آن برداشت نمی شود. و همچنانکه قبلاً اشاره شد این رأی و نظر بعضی علمای عامه است که مخاطب پیامبر در ارائه این مطلب را قریش از مکه دانسته اند. بدین معنا که پیامبر از آنها می خواهد به خاطر قرابتی که با او دارند، وی را اذیت نموده و به همین دلیل به او مودت نشان دهند.

۷- آیه متشابهات قرآن

« هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ » (قرآن، آل عمران (3)، 7).

نکته مهم و مبهم آیه در جمله زیر نهفته است:

« وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا »

در مورد این جمله دو نظر و دیدگاه مطرح است، یکی آنکه عبارت « *الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ* » عطف به کلمه « *اللَّهِ* » باشد، و مفادش آن باشد که رسول اکرم (ص) و اوصیاء آن حضرت بر تأویل آیات و اسرار قرآن احاطه دارند، و همچنین بعضی از علماء اهل ایمان که افکار آنان در محور آیات و مفاهیم قرآنی همواره در حرکت و نوسان باشند.

قول و دیدگاه دیگر آنست که جمله « *وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ* » استیناف است، و جمله « *يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ* » خبر آن است، و مفادش آن باشد که علماء از جامعه اسلام عالم بتاویل آیات قرآنی نیستند، ولی در اثر رسوخ ایمان در دلهای آنان معتقدند، که آیات چه محکم و چه متشابه آنها از جانب پروردگار است، آیات محکم اساس دین اسلام است، و بر حسب عقیده و عمل از آنها باید پیروی نمود، و در مورد آیات متشابه باید بتفسیر آیات محکم رجوع کرد.

اکثریت قاطع علمای امامیه رای اول را پذیرفته اند و معتقدند که راسخان در علم عالم به تاویل آیات هستند (حسینی شاه عبدالعظیمی، 1363، ج 2، ص 18. قمی، 1367، ج 1، ص 96. حسینی شیرازی، 1424، ج 1، ص 314).

البته در میان دانشمندان اهل سنت نیز هستند کسانی که بنا را بر عطف گذاشته و عالم بودن راسخان به تاویل آیات را مورد تأکید قرار داده اند (عکبری، بی تا، ج 1، ص 72 و زحیلی، 1418، ج 3، ص 153).

اما اکثریت علمای عامه بنا را بر استیناف گذاشته اند و بر این باور هستند که از تاویل آیات متشابه کسی جز خداوند احدیت باخبر نیست (سمرقندی، بی تا، ج 1، ص 195. خطیب، بی تا، ج 2، ص 398. میبیدی، 1371، ج 2، ص 21).

مترجم اول - قرآنی - به صورت زیر ترجمه نموده است:

But no one knows its interpretation except Allah and those firmly grounded in knowledge; they say, "We believe in it; all of it is from our Lord."

همچنان که مشاهده می کنیم دقیقاً نشان دهنده نظرات و عقاید مفسران شیعی مذهب است. چرا که با آوردن عبارت معطوف *those firmly grounded in knowledge* و عطف دادن آن به *Allah*، هر دو مورد را از حکم کلی مستثنی کرده است و برای نشان دادن دقیق مطلب فاعل *they* را برای جمله بعدی آورده است. و معلوم است که مخاطب انگلیسی زبان با خواندن این ترجمه به مطلبی که مورد نظر مفسران شیعی مذهب است می رسد هر چند آشنا با عربی و متن اصلی قرآن نباشد.

اما الهلالی و محسن خان ترجمه خود را رنگ دیگری بخشیده اند به صورتی که کاملاً گویای نظر و عقیده علمای عامه در مورد این آیه است و رنگ و بوی مذهبی این ترجمه کاملاً واضح است. بررسی ترجمه گویای این مطلب است:

but none knows its hidden meanings except Allah. And those who are firmly grounded in knowledge say: "We believe in it; the whole of it (clear and unclear Verses) are from our Lord."

همچنان که می بینیم در این ترجمه تنها واژه *Allah* از حکم کلی آیه مستثنی دانسته شده است و پس از *except Allah* با قرار دادن نقطه پایان مطلب را اعلام نموده و مطلب جدیدی را شروع نموده است و *And* را در جایگاه استیناف آورده است

Allah و این افراد (راسخان در علم) معطوف به Allah نیستند بلکه فاعل جمله جدیدی هستند که به دنبال آن آمده است.

۸- مسئله رویت خداوند

«وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاضِرَةٌ إِلَىٰ رَبِّهَا نَاطِرَةٌ» (قرآن، قیامه (75)، 22-23).

با توجه به اینکه واژه «نظر» معانی مختلف دارد لازم است نگاهی کوتاه به نظر فریقین در معنای آن بیندازیم. آنچه که در تفاسیر دانشمندان امامیه آمده است، آن باشد که مراد از نظر در اینجا انتظار است و نه نظر به معنی رویت جسمانی. و آیه را چنین معنا نموده اند که آنها (مومنین) نظر به نعم الهی و ثواب از او دارند. منتظر رحمت و غفران حضرتش بوده و به نورش می نگرند (مکارم شیرازی، 1374، ج 19، ص 221. قرشی، 1377، ج 11، ص 458. بحرانی، 1416، ج 5، ص 537-538 و سبزواری نجفی، 1406، ج 7، ص 277).

اما نظر جمهور علمای اهل سنت، به غیر از علمای معتزله، بر آن است که مراد از نظر، همان رویت با چشم است (فخرالدین رازی، 1420، ج 30، ص 730. مراغی، ج 29، ص 152 و بلخی، 1423، ج 4، ص 513).

ترجمه قرایی به گونه ای آمده است که نمی توان گفت از اعتقادات مذهبی یا باورهای دینی و شخصی او تاثیر گرفته است. علت این گفته آن باشد که او شیعی مذهب است و اما ترجمه او از این آیه به گونه ای نیست که باور اعتقادی تشیع در مورد عدم رویت خداوند با چشم را در ذهن مخاطب زنده کند. بلکه باید گفت که ترجمه به گونه ای است که اصلاً اشاره و ایمانی هم به ایده تشیع نداشته و تنها به ترجمه تحت اللفظی آیه پرداخته است. در این ترجمه برای عبارت «وَجُوهٌ نَاطِرَةٌ إِلَىٰ رَبِّهَا» از معادل *looking at their Lord* استفاده شده است که واژه *look at* به معنای نگاه کردن بوده و هرگز به معنای انتظار نیست و آنچه که به انتظار اشاره دارد *look forward to* است. در واقع باید گفت که این ترجمه چندان دقیق ارائه نشده است و امکان فهم اشتباه از آن وجود دارد.

در مورد ترجمه الهلالی و محسن خان می توان گفت که این ترجمه خواسته یا ناخواسته، ایده اکثریت علمای عامه را در خود ظاهر نموده است و مخاطب را به همان نظری رهنمون می کند که تفاسیر علمای اهل سنت به او نشان می دهند. در این ترجمه، برای عبارت «وَجُوهٌ نَاطِرَةٌ إِلَىٰ رَبِّهَا» از همان معادلی استفاده شده است که قرایی در ترجمه خود به کار برده است. تنها تفاوت در اعتقادات مذهبی صاحبان ترجمه هاست.

۹- آیه وضو

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ...» (قرآن، مائده (5)، 6).

در مورد مرحله اول وضو یعنی عبارت *فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ* اختلافی در ترجمه ها دیده نمی شود و هر دو مترجم معادل *wash your faces* را برای آن آورده اند.

در مورد جمله بعدی آیه، یعنی *وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ* نیز وضع همان است و هر دو مترجم معادل یکسانی برای این جمله آورده اند که عبارت است از:

and your hands up to the elbows

فقط در ترجمه الهلالی و محسن خان، در داخل پرانتز معنای *hands* را به صورت *forearms* آورده است که هیچ اختلافی در ترجمه ایجاد نمی کند.

اما در مورد دو مرحله آخر وضو، *وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ* و *وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ*، ترجمه ها محل بحث هستند. قرایی در ترجمه این قسمت از آیه معادل زیر را آورده است:

And wipe a part of your heads and your feet, up to the ankles

در این ترجمه آمدن عبارت *a part of your heads*، در واقع به این معنا اشاره شده است که باء در اینجا برای تبعیض است و مراد مسح تمامی سر نیست و می دانیم که این باور امامیه می باشد. و نیز در این ترجمه عطف *وَأَرْجُلَكُمْ* به عبارت *وَأَمْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ* معلوم است. *and wipe a part of your heads and your feet* بنابراین مشاهده می کنیم که در ترجمه آیه تلاش بر این بوده است که مفهوم آیه طوری توضیح داده شود که نظر تشیع بر آن است؛ البته حق مطلب همان است و ما تنها جهت نشان دادن تأثیر ایدئولوژی بر ترجمه گویا به این مسئله هستیم.

در ترجمه الهلالی و محسن خان نیز، رنگ ایدئولوژیکی ترجمه کاملاً واضح است:

اولاً ترجمه به گونه ای آمده است در مسئله مسح سر، بیشتر به کل سر اشارت دارد و نه قسمتی از آن:

Rub (by passing wet hands over) your heads

این می تواند نشان دهنده نظر اکثریت اهل سنت در مسئله مسح سر باشد که به غیر از شافعی ها، حداقل میزان عرفی را برای مسح کافی نمی دانند.

ثانیاً در مورد مرحله نهایی وضو، در این ترجمه به صورتی آشکار به نظر اهل سنت اشاره شده است که معتقدند پاها باید شسته شود و نه مسح.

Rub (by passing wet hands over) your heads, and(wash) your feet up to the ankles

همانطور که مشاهده می کنیم، در این ترجمه با آوردن فعل wash در داخل پرانتز و قبل از عبارت your feet، در واقع بر این مسئله تأکید نموده است که تقدیم و تأخیری در آیه بوده است و یا اینکه مراد از مسح در این قسمت از آیه، غسل است؛ و این همان نظریه عامه است که در توضیح آیه آمد.

نتیجه گیری

ترجمه ابزاری است زبانی که در قالب فرایندی منسجم با ابعاد پیچیده عمل نموده و مفاهیم معینی را از یک قالب معنایی در قالبی دیگر وارد می سازد. در نگاه اول ترجمه فرایندی زبان محور به نظر می رسد که عوامل زبانی عناصر مهم عرصه ایجاد ترجمه می باشند؛ اما با بررسی بیشتر معلوم می گردد که علاوه بر زبان، عواملی هستند که خارج از مقوله زبان بر ترجمه اثرگذار هستند. این عوامل، عوامل برون زبانی یا فرازبانی ترجمه هستند و تا حدود زیادی بر روی ترجمه اثر دارند. یکی از این عوامل برون زبانی عبارت است از ایدئولوژی مذهبی؛ این عامل همان عنصری است که در تصمیم گیری های مهم زندگی دینی و حتی مادی وارد شده و بایدها و نبایدهای زندگی را برای وی مشخص می کند. تأثیر ایدئولوژی بر ترجمه همیشه یکسان نیست و در متون مختلف از شدت و حدت متنوعی برخوردار است. در متون مذهبی این شدت و حدت تا حد زیادی افزایش می یابد و در مورد ترجمه کتب مقدّس و الهی می تواند به اوج خود برسد.

در مورد این مسئله که ایدئولوژی تا کجا در ترجمه اثرپذیر است، باید گفت: بسته به نوع مفهوم انتقالی و نیز درجه ایمان فرد مترجم و انصاف وی، این اثر می تواند پررنگ و یا کم رنگ باشد. اگر مترجم متوجه مسئله ترجمه بوده و قالب ها و محدوده های ترجمه را در نظر بگیرد و از طرفی هم واقعاً به دنبال انتقال معنی کلام متن اصلی باشد و نه انتقال عقاید و پس زمینه های فکری خویش، تا حدود زیادی این اثرپذیری کاهش می یابد. اما باید توجه داشت که اثربخشی ایدئولوژی در ترجمه و اعمال این اثربخشی از سوی مترجم در بسیاری از موارد بصورت ناخودآگاه می باشد و بدون آنکه مترجم بخواهد، این کار انجام گرفته و با انکی دقت و بررسی می توان به این اثر پی برده و رنگ و بوی مذهبی و ایدئولوژیک ترجمه را تشخیص داد.

نکته آخری که در این نتیجه گیری باید مدنظر باشد این واقعیت است که تأثیر عوامل برون زبانی از قبیل ایدئولوژی بر ترجمه، بیشتر در قالب های زبانی صورت می گیرد؛ به عبارت دیگر این خود زبان و عوامل زبانی است که راه اعمال اثر مسائل ایدئولوژیک در ترجمه را هموار می سازد. با توجه به اینکه ساختارهای زبانی و مسائل نحوی در زبان های مختلف گوناگون بوده و از قوانین متفاوت سرچشمه می گیرند، این مسئله امکان اثربخشی فرد مترجم در ترجمه را هموار می سازد. در بحث واژگان نیز روال همین است. گستره واژگانی زبان ها و به ویژه واژگانی که از نظر معنایی بسیار به هم نزدیک هستند راه را برای اثر گذاشتن ایدئولوژی بر روی ترجمه باز می گذارند و این از طریق انتخاب واژگان عملی می شود. یک مترجم قبل از هر مسئله ای لازم است به تکلیف خود واقف بوده و در جهت انجام این تکلیف، تا آخرین حد تلاش نماید و انجام دقیق و اصولی کارش را بر هر مسئله دیگر مقدم بدارد. تنها در این صورت است که می تواند به اجر و پاداش الهی که وعده نیکوکاران در قرآن است نائل شود و بهای واقعی وجود انسانی خویش را بیابد که همان رضوان الهی است.

به امید آنکه همه ما مسلمانان پرده های غفلت را با مجهز شدن به علم الهی که قرآن منبع لایزال آن است کنار بزنیم و بتوانیم از طریق غلبه بر نفسانیات خویش و خصم اندرونی، بر تمامی برون خویش فائق آییم؛ و تنها در این صورت است که در برابر صاحب قرآن روسفید خواهیم شد.

والسلام علی من اتبع الهدی والعاقبة للمتقوی

منابع و مراجع

- ۱- آلوسی، سید محمود. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دارالکتب العلمیة. چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.
- ۲- ابیاری، ابراهیم. الموسوعه القرآنیة. بی جا: مؤسسه سجل العرب. ۱۴۰۵ ق.
- ۳- الهلالی، محمد تقی الدین؛ محسن خان، محمد. تفسیر معانی القرآن الکریم باللغه الإنجیلیزیة. ریاض: دارالسلام. ۲۰۰۷ م.
- ۴- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی. زادالمسیر فی علم التفسیر. بیروت: دارالکتب العربیة. چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
- ۵- ابن عجبیه، احمد بن محمد. البحرالمید فی تفسیر القرآن المجید. قاهره: دکترحسن عباس زکی. ۱۴۱۹ ق.
- ۶- ابن عربی، ابوعبدالله محیی الدین محمد. تفسیر ابن عربی. بیروت: داراحیاء التراث العربی. چاپ اول، ۱۳۲۲ ق.
- ۷- ابن عربی، محمد بن عبدالله بن ابوبکر. أحكام القرآن. بی تا. بی جا.
- ۸- ابن عطیة اندلسی، عبدالحق بن غالب. المحرر الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز. بیروت: دارالکتب العلمیة. چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
- ۹- بحرانی، سید هاشم. البرهان فی تفسیر القرآن. تهران: بنیاد بعثت. چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.
- ۱۰- بغدادی، علاء الدین علی بن محمد. لباب التأویل فی معانی التنزیل. بیروت: دارالکتب العلمیة. چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.
- ۱۱- بغوی، حسین بن مسعود. معالم التنزیل فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۱۲- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد. جواهر الحسان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی. چاپ اول، ۱۴۱۸ ق.
- ۱۳- ثعلبی نیشابوری، ابواسحق احمد بن ابراهیم. الکشف و البیان عن تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی. چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
- ۱۴- جهرمی، میمنه و کتابی. نقش ایدئولوژی در ترجمه های قرآنی. فصلنامه مطالعات ترجمه. ۱۳۸۷ ش، شماره ۲۲.
- ۱۵- حقی بروسوی، اسماعیل. تفسیر روح البیان. بی تا. بیروت: دارالفکر.
- ۱۶- خرمشاهی، بهاء الدین. قرآن پژوهی. تهران: انتشارات ناهید. چاپ سوم، ۱۳۷۶.
- ۱۷- زمخشری، محمود. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل. بیروت: دارالکتب العربیة. چاپ سوم، ۱۴۰۷ ق.
- ۱۸- سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله. إرشاد الأذهان إلى تفسیر القرآن. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات. چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.
- ۱۹- سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله. الجدید فی تفسیر القرآن المجید. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات. چاپ اول، ۱۴۰۶ ق.
- ۲۰- سیوطی، جلال الدین. الدر المنثور فی تفسیر المأثور. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی. ۱۴۰۴ ق.
- ۲۱- طباطبایی، سید محمد حسین. المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق.
- ۲۲- طبرسی، فضل بن حسن. مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو. چاپ سوم، ۱۳۷۲.
- ۲۳- طبری کبهرسی، ابوالحسن علی بن محمد. أحكام القرآن. بیروت: دارالکتب العلمیة. چاپ دوم، ۱۴۰۵ ق.
- ۲۴- طوسی، محمد بن حسن. التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی. بی تا.
- ۲۵- فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر. مفاتیح الغیب. بیروت: دار احیاء التراث العربی. چاپ سوم، ۱۴۲۰ ق.
- ۲۶- فیض کاشانی، ملامحسن. الأصفی فی تفسیر القرآن. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی. چاپ اول، ۱۴۱۸ ق.
- ۲۷- قرشی، سید علی اکبر. تفسیر أحسن الحدیث. تهران: بنیاد بعثت. چاپ سوم، ۱۳۷۷ ش.
- ۲۸- قرایی، سید علی قلی. ترجمه انگلیسی قرآن. بی تا. بی جا. [جامع التفسیر].

۲۹- گنابادی، سلطان محمد . تفسیر بیان السَّعَادَة فی مقامات العبادَة . بیروت: مؤسسه علمی للمطبوعات . چاپ دوم، 1408 ق.

۳۰- محلی، جلال الدین ، سیوطی، جلال الدین . تفسیرالجلالین . بیروت : مؤسسه النور للمطبوعات. چاپ اول، 1416 ق.

۳۱- معرفت، محمد هادی . تفسیر و مفسران. قم : مؤسسه فرهنگی تمهید. چاپ چهارم، 1387 ش.

۳۲- مکارم شیرازی، ناصر . تفسیر نمونه. تهران : دارالکتب الإسلامیة. چاپ اول، 1374 ش.

۳۳- المنجد فی اللّغة . لبنان، بیروت : انتشارات دارالشرق. چاپ 41.

۳۴- مبدی، رشیدالدین أحمد بن ابی سعد. كشف الأسرار و عدّة الأبرار. تهران : انتشارات امیرکبیر. چاپ پنجم، 1371 ش.

